

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

کارگاه حقیقت نزول

▶ مجمع مدارس قران و عترت عليهم السلام

▶ مدرسه اسماءالحسنی (علوم پایه)

▶ آذر ماه ۱۴۰۰

▶ بر اساس کتاب تدبر در کتاب

فهرست مطالب

1. نزول و مراتب
2. نزول و جریان حق در هستی
3. مراتب و بستر نزول
4. احکام و تفصیل در هستی و انسان
5. انسان کامل، واسطه نزول
6. اسباب نزول امر

نزول و مراتب

- ▶ پردازش کاری در ذهن و انجام آن در بیرون و خارج
- ▶ به هر یک از صحنه‌های وقوع جریان که با دیگری متفاوت است، «مرتبه» گفته می‌شود. و به جریان واقع‌ای از مرتبه بالاتر و مسلط‌تر به مرتبه پایین‌تر «نزول» گفته می‌شود.
- ▶ در نزول جریان ثابت ولی بستر متفاوت است و در هر ساحتی بنا به شرایط آن ساحت جریان ثابت نمود ویژه‌ای از خود بروز می‌دهد.
- ▶ در تعریف نزول گفته شده است: ریزش چیزی از بالا به پائین است. (التحقیق: هو انحدار شیء من علو الی سفلی، و هو فی المرتبه العلیا طبعاً، مادّیا کان أو معنویاً.)

صعود : بالا رفتن از نقطه‌ای معین به نقطه دیگر

عروج : عروج زمانی است که این نقطه در اوج و نهایت باشد

≠

نزول

رجوع : این کلمه بیان کننده اینست که موطن اصلی چیزی در جایی است و لازم است به آنجا برگردد.

التحقیق: عرج: هو انتهاء فی صعود، فتطلق علی المرتبة الأخيرة من الصعود، و سبق الفرق بین مواد الصعود و الرفعة و العلوّ و الرقی. فانّ الصعود: هو ارتقاء الی نقطه معینة مرتفعة مادّیة أو معنویة. و الرفعة: اعتلاء بعد تسفلّ و انخفاض، و هو ضدّ الخفض. و العلوّ: یلاحظ فیة الارتفاع من حیث هو من دون نظر الی تسفلّ. و الرقی: هو ارتفاع بالتدریج و أغلب استعماله فی مورد الاختیار. التحقیق: رجع : هو العود الی ما كان علیه قبل، مكانا أو صفة أو حالا أو عملا أو قولاً.

▶ بدین ترتیب برای تحقق معنای «نزول و صعود» یا «نزول و رجوع» و یا «نزول و عروج» موارد زیر لازم و ضروری است:

1. وجود مراتب: اگر مراتب وجود نداشته باشد نزول و صعودی رخ نمی‌دهد.

2. وجود جریان برای نزول و صعود: وجود جریان دارای تفوق لازم است که بتواند در هر موطن حضور یابد و نیز دارای توانی برای رجوع باشد.

3. وجود وسائلی برای نزول و اسبابی برای صعود: این موضوع بر اساس نظام علت و معلول که خداوند اراده کرده است قرار داده شده است. این به معنای محدود کردن خداوند نیست بلکه به معنای ساختاری است که خدا وضع کرده است.

▶ در سوره مبارکه سبأ آیه ۱ و ۲ به این سه مؤلفه اشاره دارد و می‌فرماید:

▶ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ * يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ
وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

▶ ستایش خدایی را که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست، و در آخرت [نیز] حمد و سپاس از آن اوست، و هم اوست حکیم آگاه. آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بر می‌آید و آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه در آن بالا می‌رود [همه را] می‌داند، و اوست مهربان آمرزنده

نزول و جریان حق در هستی



جریان حق به عنوان جریانی ثابت در همه ارکان هستی، تنها علت وجود و بقای آنها و تنها دلیل بروز هر اثر از هر خلقی است.

خصوصیات جریان حق در کلام امرالمومنین

اللَّهُمَّ اِنِّی اسئَلُکَ بِرَحْمَتِکَ الَّتِی وَسَعَتْ کُلَّ شَیْءٍ وَ بِقُوَّتِکَ الَّتِی قَهَرْتَ بِهَا کُلَّ شَیْءٍ وَ خَضَعَ لَهَا کُلَّ شَیْءٍ وَ ذَلَّ لَهَا کُلَّ شَیْءٍ وَ بِجَبْرِ وَتِکَ الَّتِی غَلَبْتَ بِهَا کُلَّ شَیْءٍ وَ بَعَزَّتْکَ الَّتِی لَا یَقُومُ لَهَا شَیْءٌ وَ بِعِظَمَتِکَ الَّتِی مَلَأْتَ کُلَّ شَیْءٍ وَ بِسُلْطَانِکَ الَّذِی عَلَا کُلَّ شَیْءٍ وَ بِوَجْهِکَ الْبَاقِی بَعْدَ فَنَاءِ کُلِّ شَیْءٍ وَ بِاسْمَائِکَ الَّتِی مَلَأْتَ اَرْکَانَ کُلِّ شَیْءٍ وَ بِعِلْمِکَ الَّذِی اِحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ وَ بِنُورِ وَجْهِکَ الَّذِی اَضَاءَ لَهٗ کُلَّ شَیْءٍ یَا نُورِ یَا قُدُّوسَ یَا اَوَّلَ الْاَوَّلِیْنَ وَ یَا اٰخِرَ الْاٰخِرِیْنَ

رحمت: رحمت معادل جریان فیض وجود بر اشیاء است. چه اگر وجود بر چیزی جریان پیدا نکند آن شیء لباس وجود را بر تن نمی کند

قوت: این توان و قدرت، در هر لحظه بر هر شیء جریان دارد. تا این حد که اگر از موجود برداشته شود معدوم می شود و اثری از آن از هیچ جهت برایش نمی ماند

عزت، که نفوذ بی چون چرا بر چیزی است موجب می شود که شیء در هر لحظه خود را به جریان حق نیازمند بداند و بر اساس نیازمندی خود رفع نیاز و حیات خویش را استمرار بخشد

عظمت: نسبت هست به هستی، کویای عظمت جریان حق نسبت به هستی است. این جریان همه ابعاد وجودی هستی را فرا گرفته است.

سلطنت: این جریان با تفوق خود هر گونه خروج از حدود را منع می کند و تنها در همان حدی که اذن داده است موجود می تواند عمل کند.

فانی تفکیک می کند. وجه باقی هر چیز همان وجهی است که هر جنبه از وجود و هست شیء به آن بر

اسماء الهی: هر شیئی دارای افعال، صفات و اثری است، این سه رکن هر موجودی در هستی است که همه با عنایت و نصرت اسماء الهی فعال هستند.

علم: جریان حق بر هر شیء احاطه دارد و آن مقدار که شیء به خود و محیط پیرامون خود علم دارد از یمن وجود این احاطه است.

نور: هر چیزی به دلیل برخورداری از نور الهی ظاهر می شود. نور الهی اشکار کننده هر شیء است. بدین ترتیب یکی از ویژگی های جریان حق نور بودن آن است که روشن و روشنگر است.

نزول امر

- ▶ امر در عرف به معنای طلب چیزی از کسی است
- ▶ در مورد خدا به معنای اظهار ربوبیت او برای به کمال رساندن مخلوق است این اظهار ربوبیت مبتنی بر اراده‌ای است که بر اساس رحمت بر خود واجب کرده است
- ▶ سوره مبارکه انعام، آیه ۱۲: قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
- ▶ بنابراین موجودات خلق شده‌اند و هر موجودی دارای افعال و صفات و آثار می‌گردد.
- ▶ إِنَّ اللَّهَ بِالْأَمْرِ قَدْرًا جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا
- ▶ ...وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا.
- ▶ إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلِمَةٍ بِالْبَصَرِ

ویژگی‌های امر خدا

1. امر خدا ثابت، بسیط، نامحدود و فراگیر در همه هستی است.
2. امر خدا با تقدیر هر موجودی ارتباط دارد بلکه عامل هر تقدیری برای هستی است.
3. اراده خدا و امر الهی یکی است.
4. امر خدا از مظاهر و تجلیات ربوبی است که با تدبیر مخلوق موجب سوق دادن آن به سمت کمال می‌شود.
5. همه ویژگی‌های جریان حق در امر الهی وجود دارد. و حتی می‌توان گفت در قرآن هر گاه از امر الهی سخن به میان می‌آید منظور جریان یافتن حق در هستی از منظر تجلی اراده خداست. این جریان زمان‌بردار نیست و در کنه و نهاد هر عضوی از آفرینش نفوذ دارد

کمال هر شیء رسیدن به ثبوت

- در مقام تدبیر ربوبی کمال هر شیء رسیدن به ثبوت است. بنابراین لازم است موجودات مادی از عالم ماده و تدریج به سمت عالم آخرت سوق داده شوند لذا ربّ با امر و نهی، هر موجودی را به ثبوتی سوق می‌دهد که آنها را به ثابت و حق نزدیک و از ماندگاری در دار تغییر و تلاطم و تشتت دور کند.
- امر و نهی مختص انسان نبوده و شامل تمامی موجودات می‌باشد که بسته به مراتب خود از این اوامر و نواهی ربوبی بهره می‌برند
- به این ترتیب امر در ساحت تدبیر در زندگی عبارت است از دستور دادن بر اعمال و افعال و سلوک و منشی که موجودات را در مسیر رشد و کمال تا وصول به حق به پیش می‌برد و نهی عبارت است از ممانعت بر خروج از مسیر رشد و کمال به واسطه امر بر عدم سلوک و منشی و طریقی که منجر به ثبوتی نامطلوب در طریق زندگی در عالم ماده می‌شود.
- هر موجودی با ظهور در عالم ماده که موطن رشد و شکوفایی است قدم در داری نهاده است که رشد و کمالش منحصر است در هم راستایی و هم گامی با اوامر و نواهی ربوبی.

امر پس از نزول

- ▶ امر پس از نزول، در موجودات منجر به طاعت می شود ولی در انسان ممکن است به طاعت و یا معصیت بیانجامد.
- ▶ اوامر و نواهی که در مقام هدایت انسان بیان شده است به واسطه انبیاء و توسط وحی در اختیار او قرار گرفته و همه شئون او را در بر می گیرد. لذا امیرالمومنین این مطلب را با بیان زیبا در دعایی اینگونه مطرح می کنند:
- ▶ اللَّهُمَّ كَتَبْتَ الْآثَارَ وَعَلِمْتَ الْأَخْبَارَ وَاطَّلَعْتَ عَلَى الْأَسْرَارِ فَحُلْتَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقُلُوبِ فَالَسِّرْ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً وَالْقُلُوبُ إِلَيْكَ مَفْضَاهُ وَإِنَّمَا أَمْرُكَ لَشَيْءٍ إِذَا أَرَدْتَهُ أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ* فَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لَطَاعَتِكَ أَنْ تَدْخُلَ فِي كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي وَلَا تُفَارِقْنِي حَتَّى أَلْقَاكَ وَقُلْ بِرَحْمَتِكَ لِمَعْصِيَتِكَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْ كُلِّ عَضْوٍ مِنْ أَعْضَائِي فَلَا تَقْرَبْنِي حَتَّى أَلْقَاكَ وَارْزُقْنِي مِنَ الدُّنْيَا وَزَهِّدْنِي فِيهَا وَلَا تَزَوِّهَا عَنِّي وَرَغِبْتِي فِيهَا يَا رَحْمَانُ.
- ▶ سیر نزول هر امر در ساحت انسان طاعت و معصیت بیان شده است.
- ▶ طاعت امر به عنوان رزقی الهی است.
- ▶ سیر صعود هر امر لقاء پروردگار است که می تواند با طاعت یا معصیت همراه باشد.
- ▶ برای هر عضوی از اعضاء طاعت و معصیتی در نظر گرفته شده است.
- ▶ بی رغبتی به دنیا، سر بر خورداری از رزق طاعت الهی برای هر عضو است.

مراتب نزول

- ▶ دومین مؤلفه نزول و در واقع سبب آن، وجود **مراتب در هستی** ذکر شد.
- ▶ بدین ترتیب مفهوم نزول در درون خود به راز مهمی اشاره دارد که امری در مرتبه‌ای دارای ظهوری و در مرتبه دیگر دارای ظهوری دیگر است. و مسلماً امر از مرتبه بالا به پایین نازل می‌شود.
- ▶ در نتیجه سرچشمه امر نازل شده، مرتبه‌ای است که از حد و محدودیت منزّه و پاک باشد، و مرتبه پایین مرتبه‌ای است که دارای محدودیت، تقدیر، حد و قدر باشد.

عالم امر و خلق

- ▶ از آنجایی که در قرآن مرتبه‌ای که نزول از آن مرتبه صورت می‌گیرد را به «امر» می‌شناسد، در اصطلاح به این ساحت، عالم امر گفته شده است. بساطت این عالم اجازه ورود کثرات را نداده، ضمن حاکمیت وحدت در همه شئون، ریشه و سرچشمه همه اوامر در عوالم پائین‌تر است. به این ویژگی احکام گفته می‌شود.
- ▶ عالم تقدیر و تحدید نیز عالمی است که در آن خلق گسترانده شده، به **عالم خلق** مشهور شده است. در این عالم موجودات در وضعیت تفصیل و تمایز از یکدیگر قرار دارند. لذا به این ویژگی تفصیل گفته شده است. بدین ترتیب امر از عالم امر به عالم خلق نازل می‌شود. و از حالت احکام به تفصیل در می‌آید

احکام و تفصیل

- ▶ احکام و تفصیل در هستی مربوط به دو مرتبه از وجود هر شی است که در یک مرحله آن شی وجود دارد ولی وجود آن به گونه‌ای نیست که مشمول قوانین شود
- ▶ و بر اساس قانونی تأثیر پذیرد و در مقام تفصیل وجود آن شی تنزل یافته و چه از ثابتی از ثابتات و یا متغیری از متغیرها در مقام خود جای گرفته و تحت تأثیر قوانین مافوق خود قرار می‌گیرد.

در مقام احکام هر شی در خزائن الهی قرار دارد لذا می فرماید:

وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ وَ هَر چَه هَسْت، خَزِينَه‌هَای آن نَزْد مَاسْت وَ مَا آن رَا جَز بَه اَندازَه‌ی مَعین نازل نمی کنیم.

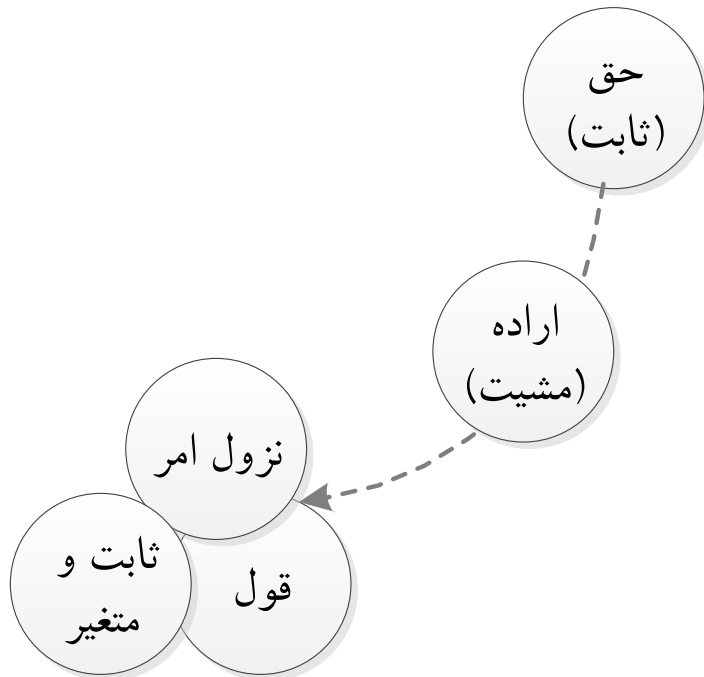
- ▶ بدین ترتیب به مرحله قبل از تقدیر مرحله احکام و به مرحله بعد از تقدیر مرحله تفصیل گفته می شود
- ▶ در مرحله احکام که مربوط به عالم امر است هر چیزی ثابت است و دستخوش هیچگونه تغییری نیست
- ▶ و در مرحله تفصیل که مربوط به عالم خلق است، حد هر چیز مشخص است و همه چیز با تعیین حدود از هم متمایز می شوند

احکام و تفصیل در زندگی انسان

- ▶ انسان در مسیر زندگی خود ناگزیر است که حرکت نموده و با ثبتي که در درون و بیرون خود رقم می‌زند، مسیر زندگی خود را تا وصول به حق طی نماید
- ▶ می‌بایست در خارج از خود و در درون خود با توجه به این حقیقت که او می‌تواند در امور زندگی خود و در تعامل با دیگران و مدیریت زندگی‌اش تدبیر و دخالت و تصرف داشته باشد، به تلاش و تکاپو پرداخته و به ثبتهایی نائل گردد که او را به سعادت نزدیک می‌نماید
- ▶ مرحله‌ای از زندگی او که قبل از مرحله تصمیم‌گیری و تدبیر جزئی است مرحله درک کلی نسبت به امور است که پس از به کارگیری تفکر و تعقل خود، آن درک کلی را به بایدها و نبایدهای جزئی تبدیل می‌کند و می‌تواند به منطقه عمل راه پیدا کند برای ورود به منطقه عمل وجود بایدها و نبایدها امری ضروری است. بنابراین انسان در دو ساحت قبل و بعد بایدها و نبایدها قرار دارد.
- ▶ مرحله قبل بایدها و نبایدها، مرحله‌ای است که مسائل به صورت کلی در وجود انسان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و با طلب و گرایش او مسائل کلی به مسائل ریز و جزئی تر تفکیک و تفصیل داده می‌شود. . به این مرحله که حوزه امور از هم تفکیک شده است مرحله تفصیل گفته می‌شود.

▶ آن چیزی که از احکام و تفصیل و امر و نهی در حوزه انسان گفته شد برگرفته و متأثر از نظام هستی است. در واقع این موضوع آیه‌ای الهی از آیات انفسی است که انسان با مشاهده آن می‌تواند به هستی‌شناسی راه پیدا کند.

هر امری برای ظهور خود نیاز به ابرازی دارد که در منطق قرآن از آن به قول - مطلق ابراز - تعبیر می‌گردد. اراده مرحله‌ای قبل از قول است که به واسطه آن قولی شکل می‌گیرد



انسان کامل واسطه نزول

سومین ویژگی نزول امر الهی، وجود وساطت و اسبابی برای این نزول است. وجود این واسطه‌ها به دلیل محدودیت مخلوق و وجود مراتب است. این وسائط و اسباب عبارتند از: انبیاء، ملائکه و روح

انبیاء

روح

ملائکه

نقش هدایتی انبیاء

- ▶ خداوند از میان انسان‌ها مردان صالحی را برای هدایت انسان انتخاب کرده و با وحی ایشان را واسطه اوامر و نواهی و علوم و حقایق دست نیافتنی کرده است. بدین ترتیب انسان توسط پیامبران به اوامر و نواهی الهی پی می‌برد.
- ▶ و انبیاء به عنوان معیار حق برای مردم، آنان را از گمراهی نجات می‌دهند. وجود پیامبران و برخورداری آنها از وحی موجب دست یافتن انسان به فرقان یعنی تمیز دهند حق از باطل است
- ▶ دعای چهارم صحیفه سجادیه که در آن به تبیین نقش رسل در زندگی انسان

شب قدر و نزول امر

- ▶ پیامبر، امام، نزول امر و شب قدر کلماتی است که باید‌ها و نبایدهای انسان و جامعه را مشخص و مسیر هدایت را بر روی او می‌گشاید. نمونه‌ای از این هدایت و تعیین سرنوشت را در سوره مبارکه دخان مطالعه می‌کنیم، در آیات ابتدایی این سوره می‌خوانیم:
- ▶ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ حَمِّ وَ الْکِتَابِ الْمُبِیْنِ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ مُبَارَکَةٍ اِنَّا کُنَّا مُنْذِرِیْنَ فِیْهَا یُفْرَقُ کُلُّ اَمْرٍ حَکِیْمٍ اَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا اِنَّا کُنَّا مُرْسِلِیْنَ رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّکَ اِنَّهُ هُوَ السَّمِیْعُ الْعَلِیْمُ
- ▶ تعیین شدن تقدیر انسان‌ها با نزول امر که به واسطه ولی الهی توسط ملائکه و روح صورت می‌گیرد، شب قدر نامیده شده است. شب بودن این موقعیت به دلیل عدم بروز و ظهور و فعلیت جزئیات آن است.

اسباب نزول امر

- ▶ ملائکه الهی و روح به عنوان اسبابی به دست ولیّ الهی نزول امر را به عهده دارند.
- ▶ ملائکه به عنوان وسائط عالم خلق، نازل کننده هر امری به انسان هستند. بدین ترتیب امر که تفصیل کننده احکام است توسط ایشان نازل می شود و نقش آنان در تقدیر نقشی کلیدی است.
- ▶ ملائکه موجب تبیین چگونگی کتابت در هستی نیز می گردد. زیرا ایشان به عنوان کاتبان تقدیر در هستی می باشند و ثبت به عنوان وظیفه اصلی ایشان می باشد.

- ▶ در آیات و روایات متعددی به نقش روح در نزول امر اشاره می‌شود. با توجه به آیات و روایات، روح از عالم امر است و بر اساس دریافت و اقتضای مخلوق دارای مراتب است.
- ▶ مراتبی که در روح وجود دارد مانند مراتبی است که برای امر وجود دارد. و تمام آنچه برای امر گفته شد برای روح نیز صدق می‌کند.

جمع بندی

- ▶ هدایت و گمراهی دائمی انسان که در قوس صعود با خود به دار بقاء می‌برد، وابسته به واکنش او نسبت به نزول امر است.
- ▶ نزول امر اگر انسان را مطیع رب العالمین کرد هدایت و اگر نشنیده گرفته شد خسارت ابدی را در بر خواهد داشت.
- ▶ لازم به ذکر است عالم امر را، که عالمی منزله از هر گونه آلودگی است، می‌توان درک نمود. این تنها در صورتی اتفاق می‌افتد که انسان با آن عالم هم‌سنخ شود. که در این صورت خود جنس عالم امر است و هر لحظه می‌تواند بودن در این عالم را تجربه کند. برای دستیابی به این طهارت و بالا بردن توجه نسبت به نزول امر، مراعات موارد زیر ضروری است:

- ▶ توجه به ولیّ الهی و ولایت و حاکمیت و حکومت الهی حتی در پائین‌ترین مرتبه موجب هدایت است. لذا لازم است، امر الهی که در مراتبی از بستر وقوع و تحقق جاری می‌شود، با توجه به اولیایی که قرار داده مورد احترام واقع شود.
- ▶ سعی در کشف اوامر و نواهی الهی در هر کار می‌تواند انسان را با عالم قدس مرتبط کند. در این صورت خداوند انسان را بیش از آنچه تصور می‌کند به هدایت نزدیک می‌کند.
- ▶ توجه و عمل به اوامر و نواهی الهی در هر سطح و برای کوچک‌ترین مسائل می‌تواند زمینه برخورداری انسان را از هدایت فراهم کرده و حتی در مراحل پیچیده از او دستگیری شود.
- ▶ استعاده، استغفار و توبه از امکان‌هایی است که خدا برای برخورداری از هدایت بیشتر به ما عنایت کرده است.
- ▶ دعا و تضرع در پیشگاه الهی و بالا بردن توجه نسبت به محضر رب العالمین از مهم‌ترین مسائلی است که انسان را به پاکی در خور درك عالم امر نایل می‌کند.
- ▶ توجه به ادعیه اهل بیت : در ارتباط با اوامر و نواهی الهی به ویژه در مواقع سخت و طاقت فرسا می‌تواند انسان را برای طی مسیر عبودیت استوارتر و راه‌های رسیدن به طهارت و توجه را در او تقویت کند

هر پایانی را آغازی است و برای هر فهمی حرکتی

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
اللهم صل على محمد و آل محمد